نگاه

بیماری رونالدو

لئوناردو*

ترجمه: سهیل نوری‌پناه

آن عملکرد و نمایشی که رونالدو در نخستین بازی برزیل در این تورنمنت در برابر کرواسی ارائه داد، بی‌تردید آن چیزی نبود که ما از او انتظار داشتیم! شرایط و موقعیت بسیار نادر و شگفت‌انگیزی بود. بدون شک! به نظر می‌رسید که او از لحاظ آمادگی جسمی در شرایط نامناسبی به سر می‌برد. گرچه همه ما به این نکته آگاه بودیم که او احتمالاً آن بازیکنی نیست که در تمامی ۹۰ دقیقه در زمین بازی کند. با این وجود، وقتی که نمایش و بازی او را در مسابقات تدارکاتی و آماده‌سازی برزیل در برابر نیوزلند مشاهده کردم، باید بگویم که در آن بازی من «رونالدو»ای را دیدم که بسیار متحرک‌تر و فعال‌تر در زمین مسابقه بازی می‌کرد. بسیار سبکبال‌تر از شرایطی که او در بازی در برابر کرواسی داشت! مسئله‌ای که ما در آن مسابقه آماده‌سازی درخصوص او نمی‌دانستیم این بود که آن مشکل و رکودی که برای او ایجاد شده، از کجا نشات گرفته. . . ؟! من شخصاً چندان از دلایل این افت فاحش و این بیماری مرموز که او را تا این حد در هیبت یک فوتبالیست، انتقادآمیز نشان می‌دهد آگاهی ندارم، اما یقین دارم که چنین مسئله‌ای از یک بیماری و ناراحتی مرموز نشات می‌گیرد! سنگینی و کندی در بازی او هویدا بود. نکته‌ای که عجیب و حیرت‌انگیز جلوه می‌کرد، این بود که او در برهه‌هایی که قصد داشت پا به توپ بچرخد و مسیرش را تغییر دهد، بسیار مایوس کننده نشان می‌داد. قطعاً پدید آمدن چنین مشکلی برای او، یا بهتر بگویم برای نابغه‌ای بسان او، نمی‌تواند پیام امیدوارکننده‌ای باشد، نه برای ملت برزیل و نیز نه برای اردوی سلسائو! رونالدو را به خوبی می‌شناسیم. آنقدر درباره او شناخت دارم که بگویم رونالدو انسان باشرافتی است و همواره به توانایی‌هایش باور داشته، و هر وقت مشکل و گرفتاری خاص برایش ایجاد شده، تصمیم گرفته که آن را با سرمربی تیم در میان بگذارد. گمان نمی‌کنم که مشکل امروزی رونالدو به سنگینی بدنش و اضافه‌وزنش باز گردد، چرا که همواره او را نیرومند، قوی‌هیکل و درشت‌اندام دیده‌ام. بدون کوچکترین تردیدی آن بیماری که در نقش یک بازدارنده، مانع از حرکات انفجاری و برق‌آسایش می‌شود، بیشترین نقش را در این شرایط رکود رونالدو، بازی می‌کند! باور ندارم که رونالدو در این برهه، گرفتار یک بیماری روحی و روانی شده است. چرا که او پس از آن دردسری که برایش در سال ۱۹۹۸ در فینال آن مسابقات رخ داد، تا حد قابل توجهی خود را از این منظر ارتقا داد. پس از آن، یعنی ۴ سال بعد او توانست جام جهانی را برفراز دستانش بگیرد و در فوتبال اروپا نیز به شهرت و اعتباری دوچندان دست یابد. نکته‌ای که اگر به تمامی فوتبالیست‌ها رجوع کنید و از آنان بپرسید این است که وقتی شما از لحاظ روحی در شرایط نامساعدی قرار دارید و از حیث بدنی و جسمی نیز ۱۰۰ درصد آماده نباشید، آنگاه در زمین مسابقه با مشکل مواجه خواهید شد و این، آن مسئله ظریفی است که در سیمای او در بازی برابر کرواسی عیان بود! در طرف مقابل من کرواسی را بسیار سازمان‌یافته، منظم، هماهنگ و. . . دیدم، تیمی که به خوبی دفاع می‌کرد و از همین حربه بهره می‌برد تا موقعی که قصد داشت ضدحملاتش را آغاز کند. به ندرت مشاهده شد که آنان دفاع ۸نفره را در دستور برنامه‌های تدافعی‌شان اعمال می‌کنند، خب! چنین ترفندی سبب شد که برای برزیل دردسر زیادی در طول مسابقه ایجاد کنند. جدا از تمامی دغدغه‌ها و تشویش‌هایی که درباره عملکرد و آمادگی رونالدو وجود دارد، موضوعی که کمی نگران‌کننده به نظر می‌رسد این است که این تیم نتوانست در پاسخگویی به خواسته‌ها و انتظاراتی که البته بسیار زیاد و سرگیجه‌آور است، موفق عمل کند. تقریباً چنین توقعی از کسانی چون رونالدینیو، کافو، کارلوس، آدریانو و زی روبرتو بسیار بیشتر است. اکنون از آنان وقتی که در قامت یک ملی‌پوش به زمین مسابقه می‌روند انتظار و توقع بسیاری برای یک نمایش باشکوه و درخشان می‌رود. شرایط بسیار سختی بود. در آن شب هوا به غایت گرم و مهلک بود. آن هم در شرایطی که در مقابلت تیمی قرار دارد که در کارها و برنامه‌های دفاعی فوق‌العاده منظم و سازمان‌یافته نشان می‌دهد. نکته‌ای که به مدد برزیل شتافت این است که آنها بسان بقیه تیم‌های بزرگ و مدعی جام، دیدار نخست را با پیروزی پشت سر نهادند. حال با چنین وضعی، آنها بسیار راحت‌تر و خونسردتر می‌توانند به مصاف استرالیا بروند. چون می‌دانند که با یک پیروزی صعودشان به دور بعدی قطعی خواهد شد. گذشته از اینها، مجموعه‌ای که بسیار مرا تحت تاثیر خود قرار داد، جمهوری چک بود. تیمی که در برنامه‌های هجومی‌اش، فوق‌العاده و حیرت‌انگیز عمل می‌کند. اما گمان می‌کنم آنها پایین‌تر از استانداردهای موجود برای فتح جام هستند. دو تیم دیگری که مرا متاثر ساختند، ایتالیا و فرانسه بودند. گرچه این دو در برنامه‌هایشان فوق‌العاده نشان ندادند اما اثبات کردند که فشرده بازی می‌کنند و نیز گروه بسیار جنگجو و ماجراجویی هستند. و برای فرانسه، اعتقاد دارم آنها بسان برزیل از بیماری مشابهی رنج می‌برند. و آن توقع بسیار زیاد و سرسام‌آور مردم نسبت به سبک بازی آنهاست. به برزیل بازگردیم. گمان می‌کنم رونالدینیو همان فوتبالیستی باشد که در این تورنمنت، ستاره و یک بازیکن برتر لقب بگیرد. او در برابر کرواسی نمایش خوبی داشت، اما دست یافتن به سطحی از بازی که ماراداونا و یا پله نشان می‌دادند، احتیاج به ارائه نمایش‌های بهتری دارد! تصور می‌کنم مردم نیز بی‌صبرانه در انتظار تماشای همان سطح از کلاس و کیفیتی هستند که آن دو در جام‌های جهانی گذشته بروز می‌دادند. و آنها از رونالدینیو چنین توقعی دارند. اما آنچه که مرا کمی نگران کرد، مصاحبه‌ای بود از رونالدینیو، راجع به اینکه شرایط اردوی برزیل کمی پرهرج و مرج و آزادانه است. اما من در این مقوله کاملاً با او مخالفم. اگر او قرار بود در هنگام بازی با توپ مواظب این باشد که مثلاً «در این لحظه باید چه کار کند» و یا «در لحظه بعد باید چه برنامه‌ای داشته باشد» آن تصویری که امروزه ما از او در نظر داریم، برای ما ساخته نمی‌شد. رونی باید تنها با روح و ذاتش در میدان بازی کند. او باید آزادانه و سبک‌بال بدود و به این نیندیشد که بعداً چه اتفاقی روی خواهد داد. او نیاز به فضا دارد، نیاز به آزادی، که اگر اینگونه شود، او همانی است که برزیلی‌ها را به پرواز درخواهد آورد!

*** ستاره سابق برزیل و میلان**

این تازه شروع کار است

محسن ابراهیمی: آرام‌آرام چهره مدعیان اصلی برای صعود به مرحله بعدی مشخص می‌شود: آلمان، اکوادور و بعد هم انگلستان جواز صعود می‌گیرند اما برای تیمی مثل ایتالیا حتی شروع خوب به منزله پرتاب به سمت مرحله یک هشتم هم نیست.

«بچه‌ها این تازه شروع کار است.» مارچلو لیپی این را می‌گوید و زنگ خطر کوچکی را به صدا در می‌آورد تا همه برای بازی بعد هوشیار باشند. سرمربی ایتالیا می‌گوید: این بازی برایمان سخت خواهد بود و نمی‌توانیم مثل ندود و تیمش به یک بازی آسان فکر کنیم. اینجا هم مجبور هستیم که پیروز شویم. برای ما این بازی سخت خواهد بود. ایتالیا برای فرار از رویارویی نزدیک با برزیل باید تمام بازی‌هایش را ببرد. «ما به بازی مقابل چک فکر نمی‌کنیم. برایمان مهم است که امروز مقابل تیم خوبی به نام آمریکا برنده باشیم.» درحالی که همه از مدعیان بزرگ حرف می‌زنند، ایتالیا به گونه‌ای دیگر و با کیفیت خوب و مثال‌زدنی‌اش غنا را با بازیکنان بزرگش شکست می‌دهد و به بازی دوم می‌رسد. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که این تیم بتواند خیلی زود به ریتم و آهنگ دلخواه خود دست پیدا کند اما آهنگی که امروز ایتالیا با لیپی می‌نوازد بسیار دلنشین‌تر از تیم تراپاتونی یا مالدینی است. اینجا همه خوشحال هستند و به همین دلیل لیپی در کنفرانس مطبوعاتی می‌افزاید: «من از این تیم ایتالیا خوشم می‌آید.» در ایتالیا هم بار دیگر رکورد تماشای مستقیم بازی شکسته می‌شود و مردم تیم خود را حمایت می‌کنند. در این میان هرچند می‌گویند بحران خط حمله وجود دارد اما صدای انتقادی به گوش نمی‌رسد و آلبرتو جیلاردینو مهاجم تیم میلان می‌گوید: «می‌دانم که سربازان ایتالیایی در عراق بازهای ما را تماشا می‌کنند. ما به خاطر آنها خوب بازی می‌کنیم تا آنها هم خوشحال بشوند.» اما دوست ندارد که بیش از این وارد سیاست بشود و از فوتبال حرف می‌زند: «این بازی کم‌اهمیت نیست، برای آمریکا بازی زندگی است و می‌دانند که اگر بازنده باشند باید از جام خداحافظی کنند و به همین خاطر با تمام انرژی بازی خواهند کرد. برای ما هم بازی مهمی است چون نباید اجازه دهیم مشکلی برایمان به‌وجود بیاید. امروز فضایی را به‌وجود آورده‌ایم که در تیم ما هیجان و انرژی جدیدی موج می‌زند و باید همانگونه بازی کنیم که در بازی اول بودیم.» ایتالیا روزهای سختی را پشت سر گذاشته است، از وقتی که کابوس رسوایی داوری آنها را دربرگرفته بود تا وقتی که برای بازی با غنا به سمت هانوفر حرکت کردند اما بعد از پیروزی همه چیز شکل ایده‌آل پیدا کرد. او از بروس آرونا هم تشکر می‌کند که در مصاحبه خود گفته بود از جیلا و تونی هراس دارد. «واقعاً برایم خوشایند است که می‌بینم یک مربی دیگر به ما توجه دارد.» این‌بار او امیدوار است که بتواند گل بزند. او می‌افزاید: «اگر من کمی جایم را عوض می‌کردم حتماً می‌توانستم ضربه پیرلو را کامل کنم و گل به نام من ثبت بشود. این فقط یک شوخی بود. روز من هم از راه می‌رسد. شاید در بازی با آمریکا من گلزن اول باشم. من سعی خودم را خواهم کرد.» حالا جوان‌ها و زوج‌های هر تیمی به گل رسیده‌اند. از ویا و تورس تا کرسپو و ساویولا و مهاجمان اکوادور فقط ایتالیایی‌ها مانده‌اند که امشب همه منتظر آنها هستند. جیلاردینو می‌گوید: «واقعاً از بازی دیگر مهاجمان هیجان‌زده شده‌ام. آنها خوب بازی می‌کنند. در این شرایط اگر عادی بازی کنیم و نتیجه معمولی بگیریم هم انتقادات شروع می‌شود. همه منتظر ستاره‌ها هستند و تیم ما هم کم ندارد. من با تونی، اینتزاگی و یاکوئینتا تمرین می‌کنم و همه در شرایط ایده‌آل قرار داریم و هر کسی که فرصت بازی پیدا کند مسلماً گل می‌زند.» اما مسئله این است که فضای خوب اردوی ایتالیا می‌تواند برای جیلاردینو کمی تغییر کند و اگر او امشب به گل نرسد آن وقت ذخیره‌ها جای او را خواهند گرفت و ادامه راه سخت‌تر خواهد شد. مارچلو لیپی برای این بازی فقط یک تغییر در تیمش خواهد داشت و آن هم بازگشت جان لوکا زامبروتا خواهد بود که بهبود پیدا کرده است. مربی ایتالیا چند روز قبل گفته بود که به دو مهاجم اصلی‌اش ایمان دارد و مطمئن است که آنها هم راه گلزنی در جام را پیدا می‌کنند. مهاجمان تازه‌واردی که اولین تجربه خود را پشت سر می‌گذارند و باید ستاره‌های این تیم باشند. برای لیپی هر چند بازی با آمریکا بسیار مهم است ولی او این فرصت را دارد که در مرحله اول تمام مهاجمانش را آزمایش کند. فقط به این شرط که لحظات خوبی در انتظار آنها باشد. تمرینات چندروزه آنها در دویسبورگ در هوای گرم، نیمه‌ابری و خنک نسبت به روزهای قبل ادامه داشت و همه چیز به شکل ایده‌آل ادامه داشت. ترمومترها دمای هوا را پایین‌تر از دور اول نشان می‌دهد اما تب فوتبال هر روز بیشتر می‌شود. مثل اینکه طرفداران هم پرونده موجی- یووه را فراموش کرده‌اند و به تیم لاجوردی‌پوش فکر می‌کنند. لیپی می‌گوید: به همه اتفاقات خوشبین هستم.

این اتفاقات درحالی می‌افتد و برای ایتالیا خوشایند است که در نزدیکی هامبورگ تیم آمریکا در زیر شدیدترین اقدامات امنیتی تمرین می‌کند. محل تمرین آنها در ۲۰ کیلومتری هامبورگ در دهکده‌ای کوچک است که هیچ صدایی به گوش نمی‌رسد و فقط صبح و عصر وقتی این تیم تمرین دارد ناگهان صدای مهیب ورود یک گروه بزرگ به گوش می‌رسد. گروهی که توسط بیست موتورسوار، چند مینی‌بوس، اتومبیل و در میان آنها اتوبوس تیم ملی آمریکا از راه می‌رسد و تمرینات خود را شروع می‌کند. شکست سخت آنها مقابل جمهوری چک تمام معادلات بروس آرونا مربی تیم را به‌هم ریخته است و حالا باید در برابر تیمی قرار بگیرند که خود را مدعی جام می‌داند. آرونا برای این بازی باید تمام هنر خود را نشان دهد. آنها به شهری می‌روند که برایشان چندان غریبه نیست. ۵۰ هزار آمریکایی در کایزرسلاترن زندگی می‌کنند که همه آنها از خانواده نظامی‌های آمریکایی هستند که چندین سال است اینجا زندگی می‌کنند و برای تشویق تیم آمریکا به ورزشگاه خواهند رفت. این مثل یک ورزشگاه خانوادگی است و احساس غربت نمی‌کنند. آنها می‌گویند ما هیچ ترسی نداریم، آمریکایی هستیم. حتی اگر سه گل در بازی اول شکست سختی را برای آنها رقم زده باشد. آنها برای بازی مقابل ایتالیا به مکانی می‌روند که برایشان در تمام عملیات‌های نظامی آمریکا در اروپا و خاورمیانه نقش کلیدی دارد. در رامشتین در ۱۵ کیلومتری کایزرسلاترن. آنجا انبوه طرفداران آمریکایی جمع می‌شوند تا قوت قلبی به بروس آرونا بدهند. او می‌گوید: «بازی آسانی نیست. تیم ایتالیا کیفیت بالایی دارد و کارمان سخت‌تر از بازی قبلی است. توتی، تونی و جیلاردینو بسیار خطرناک هستند. این دو فوروارد ایتالیا جزء بهترین‌های جام و فوتبال دنیا به حساب می‌آیند. یک تیم در خدمت آنها است که همه کار انجام دهند و اگر مسیر درست را پیدا کنند آن وقت همه چیز برایمان خراب می‌شود.» آرونا از ایتالیا حرف می‌زند و دوستانش یادآور می‌شوند که او هم اجدادش ایتالیایی هستند. اما خودش می‌گوید: من فقط چند کلمه ایتالیایی بلد هستم. اما فوتبال ایتالیا را خوب می‌شناسم. من از دروسی و پروتا هم خوشم می‌آید. آنها بسیار باهوش و قوی هستند و مرا به هیجان می‌آورند. این تیم ایتالیا مجموعه‌ای کامل است که برای هر تیمی و روشی می‌تواند برنامه‌ای جدید داشته و خطرناک باشد. اما من به تیم خودم امیدوار هستم که خوب بازی کند. وقتی به آنها نگاه می‌کنم، انگیزه و قدرت کافی را در آنها می‌بینم. ما اشتباهات بازی قبل را فهمیدیم و فکر می‌کنم که انتقادات در مورد ما هم کمی اغراق شده باشد. بازیکنان من برای جبران آماده‌اند. حتی اگر تیم مقابل ما ایتالیا باشد.

این یک جنگ بزرگ است، اما از نوع ورزشی آن. حتی اگر نظامیان طرفدار آمریکا ورزشگاه را پر کرده باشند ایتالیا نمی‌خواهد در هیچ میدانی درهای انتقاد را به روی خودش باز کند. آنها می‌خواهند در ردیف مدعیان اصلی باشند و آمریکا یک قدم بزرگ دیگر است.

نکات جالب

– در صورتی که ایتالیا موفق به شکست آمریکا شود و چک نتواند غنا را مغلوب کند صعود آتزوری به مرحله یک هشتم قطعی خواهد شد.

– ایتالیا و آمریکا تاکنون هفت‌بار با هم بازی کرده‌اند که حاصل آن پنج پیروزی و دو تساوی برای ایتالیا بود. اولین بازی دو تیم در جام جهانی ۱۹۳۴ در رم بود که ایتالیا موفق شد هفت بر یک آمریکا را در هم بکوبد. این بهترین نتیجه ایتالیایی‌ها و بدترین نتیجه آمریکایی‌ها در تاریخ جام جهانی است. آخرین بازی دو تیم در سال ۲۰۰۲ برگزار شد که ایتالیا با تک گل دل‌پیرو به برتری رسید.

–ایتالیا می‌تواند با شکست نخوردن مقابل آمریکا رکورد شکست‌ناپذیری خود را به بیست بازی برساند. این رکورد از سال ۱۹۳۹ تاکنون برای ایتالیا تکرار نشده است. آخرین شکست این تیم اکتبر ۲۰۰۴ مقابل اسلوونی بود.

– آمریکا یکی از هفت تیمی است که در هر پنج جام جهانی اخیر حضور داشته است. اما این تیم در دو بازی آخر خود در جام جهانی موفق به گلزنی نشده است.

– دانیله د روسی، مائورو کامورانزی و وینچنزو یاکوئینتا در صورت اخطار گرفتن برابر آمریکا از بازی مقابل چک محروم خواهند شد.

– فیلیپو اینتزاگی مهاجم ۳۲ ساله ایتالیا در صورتی که در بازی امشب به میدان برود و برای ایتالیا گلزنی کند پس از دانیل ماسارو دومین گلزن مسن ایتالیا در تاریخ جام جهانی خواهد بود. ماسارو در جام جهانی ۱۹۹۴ و در سن ۳۳ سالگی گل ایتالیا مقابل مکزیک را به ثمر رساند تا مسن‌ترین گلزن ایتالیا در تاریخ جام جهانی شود.

– آمریکا در ۱۶ بازی اخیرش در جام‌های جهانی پس از جام ۱۹۵۰ حتی یک ضربه پنالتی نیز به‌دست نیاورده است.

راهی پرتب و تاب

فرانسه برای شکستن طلسم ۸ ساله‌اش، جادویی که سبب شده آنها طی این مدت در گشودن دروازه حریفان در جام جهانی ناکام باشند، به روح تهاجمی و خاص فرانسوی‌شان نیاز دارد تا این تیم را برای رسیدن به این هدف یاری دهد. ریموند دومنک سرمربی فرانسه که این روزها زیر فشار مهلک و طاقت‌فرسای مطبوعات و رسانه‌های کشورش قرار دارد این نکته را بهتر از هر کسی می‌داند. اما با این وجود او به قضایا با نگاهی مثبت می‌نگرد و از اینکه تیمش در جدال با سوئیس دروازه‌اش را باز شده ندید، خشنود است! «ما در نبرد در برابر همسایه آلپی‌مان، محکم، فشرده و همان تیمی بودیم که از ما انتظار می‌رفت. سوئیسی‌ها تیم خطرناکی بودند. خصوصاً در یکی دو موقعیتی که بر روی دروازه ما حمله‌هایی را طرح‌ریزی کردند. «مشکلی که دومنک نیز به آن معترف است عدم خلق موقعیت‌های مسلم گلزنی توسط نیروهای تهاجمی تیمش است. مشکلی که سبب شده، این تیم کماکان پس از جام جهانی ۱۹۹۸ در بازگشایی دروازه رقبایش ناکام بماند. «در خصوص برنامه‌هایمان باید بگویم که ما ابتدا باید به نظم و ایده‌آل تیمی‌مان که سازمان یافته شده است وفادار باشیم و بر طبق چنین برنامه‌ای توپ را در زمین انتقال دهیم. سپس در همین حین باید شرایطی را برای تیم‌های رقیب فراهم آوریم که آنان را به دردسر بیندازیم. باید کمی آزادانه‌تر و سبکبال‌تر بازی کنیم. کمی با شهامت و جرات زیاد. . . !» ترس و واهمه مردم این کشور در قبال عملکرد تیم کشورشان منطقی و کاملاً قابل انتظار است. تیمی که در جام جهانی ۲۰۰۲ نتوانست در سه بازی‌اش در برابر حریفانش به‌رغم برخورداری از سه گلزن برتر لیگ‌های انگلستان، ایتالیا و فرانسه یعنی تیری آنری، دیوید ترزگه و جبرئیل سیسه به گل دست یابد، طبعاً زیر فشار فزاینده و طاقت‌فرسایی برای شکستن چنین جادویی قرار دارد. دومنک معتقد است: «چیزی که اکنون در این برهه از بازیکنانم انتظار دارم این است که بازی به بازی عملکرد و نمایش بهتر و امیدارکننده‌تری ارائه دهند. در هر بازی چیزهایی را بروز دهند که در راه رسیدن به هدف مجموعه اثربخش باشد.» دومنک بی‌شک این روزها به دقت تمام به بازی دومش در برابر صدرنشین گروهش یعنی کره جنوبی می‌اندیشد. بازی که در لایپزیک برگزار خواهد شد. بازی‌ای به غایت حیاتی و صدالبته تعیین‌کننده برای آبی‌ها. . . !

آنری: ریبری خام و کم‌تجربه

باز هم فرانسه! در این تیم خبرهای نگران‌کننده‌ای به گوش می‌رسد. پس از تساوی کسالت‌بار تیم پرمهره ریموند دومنک و سپس جر و بحث و درگیری لفظی کاپیتان خروس‌ها یعنی زین‌الدین زیدان با دو مدافع میانی تیم، ویلی گالاس و لیلیان تورام، اعتراض و قهر گریگوری کوپه دروازه‌بان آماده لیون، وقتی که متوجه شد او تا انتهای تورنمنت باید در زیر سایه فابیان بارتز قرار بگیرد، حالا صحبت‌هایی درباره انتقاد تیری آنری از فرانک ریبری بی‌تجربه‌ترین و البته مستعدترین جوان خروس‌ها شنیده می‌شود. شاگردان دومنک که برخلاف سرمربی‌شان، که با آرامشی گهگاه آزاردهنده شرایط را بررسی می‌کند این روزها به دلیل عدم توفیق در بازی نخست‌شان انتقادات زیادی را معطوف خود ساخته‌اند، از حیاتی بودن دو مسابقه آتی تیمشان آگاهی کامل دارند. مسابقه شنبه این تیم با کره جنوبی از اهمیت بسیاری برخوردار است. دومنک می‌گوید: «بازی با کره در پیش است و ما باید آرامش و خونسردی‌مان را حفظ کنیم و از فرصت به وجود آمده نهایت بهره را بجوییم.» اما بخش دوم جملات دومنک، بیش از همیشه ما را به سوی آن آرامش زجرآورش سوق می‌دهد. «شاید حتی تساوی نیز در برابر کره، نتیجه خوبی باشد. آن وقت در بازی سوم اگر توگو را مغلوب کنیم یکی از تیم‌های راه یافته به مرحله نهایی خواهیم بود.» چنین جملاتی از او آن هم در حالی که خیلی‌ها پیروزی آبی‌ها در برابر کره –گرچه تنها پیروز این گروه بوده است– را کاملاً محتمل می‌پندارند. در این میان تیری آنری که در بازی نخست‌اش در گشودن سنگر زوبربولر ناکام شده بود انتقادش را متوجه ستاره کم‌تجربه و جوان مارسی یعنی فرانک ریبری می‌کند: «در یکی از موقعیت‌هایمان بر روی دروازه سوئیس فرانک ریبری از راست نفوذ کرد. در شرایطی که با یک پاس ساده و دقیق می‌توانست من را صاحب موقعیت قطعی گل نماید. فرانک پاسش را داد، اما به جای آنکه توپ را طوری به من برساند که آن– توپ– مقابل پای من قرار بگیرد، آن را پشت پایم داد. اگر دقیق و با ظرافت این کار را انجام می‌داد من دروازه خالی را باز کرده بودم!» تیری آنری که هنوز از چنین انگی که او در بازی‌های ملی حتی یک سوم هنری را که در آرسنال عرضه می‌کند در آنجا ارائه نمی‌دهد، رنجیده و مضطرب به نظر می‌رسد در ادامه می‌گوید: «البته یک نکته را نباید فراموش کرد. فرانک جوان است. خام و کم‌سابقه. . . !نخستین بازی ملی را– با این حال– در برابر سوئیس انجام داد. از او بیش از این انتظار نمی‌رود. او جوان مستعد و توانایی است که همیشه تمام توانش را صرف نتیجه تیمش می‌کند.»

تا آخرین لحظه می‌جنگیم

انگلستان به‌رغم دیداری که از لحاظ فنی تفاوت خاصی با بازی اولش در برابر پاراگوئه نداشت، موفق شد ترینیداد و توباگو سختکوش و ماجراجو را با دو گل دقایق آخر پیتر کراوچ و استیون جرارد مغلوب کند. دیوید بکام رهبر انگلیسی‌ها که پایه‌گذار نخست گل باارزش تیمش بود به حریفان تیمش هشدار داد به توانایی‌ها و قدرت و پشتکار انگلستان بنگرند، چرا که با چنین شاخصه‌هایی این تیم توانایی شکست هر تیمی را دارا است! کاپیتان انگلستان در این باره می‌گوید: «ما تنها یک پیغام به حریفانمان داریم! و آن اینکه هیچگاه دست‌ها را به علامت تسلیم بالا نخواهیم برد. هیچ‌وقت از تلاش دست نمی‌کشیم. این پیامی است برای همه!» هافبک راست رئال‌مادرید در خصوص بازی تیمش در برابر نماینده سرسخت کونکاکاف می‌گوید: «همه از جمله خود ما، گمان می‌کردیم که بازی آسانی پیش روی ماست. اینکه به راحتی خواهیم توانست حریفمان را مغلوب سازیم. اما می‌دانستیم که اگر به شیوه و برنامه‌های خاص تیممان پایبند باشیم، به راحتی در متلاشی کردن و مقهور ساختن نیروی تدافعی بی‌مانندشان موفق می‌شویم! نکته‌ای که در مورد بازی بسیار جلب‌نظر می‌کرد این بود که ما مسابقه را با قدرت به پایان رساندیم. و این چیزی است که نباید از آن غفلت کرد! اریکسون، تعویض‌های طلایی انجام داد. آنها بسیار گره‌گشا بودند. آن تغییرات فوق‌العاده، در روند حرکتی تیم اثر مثبت داشت و تیم نتیجه آن را گرفت. منصفانه است اگر بگوییم خیلی‌ها هنوز آن «انگلستان ایده‌آل»را ندیده‌اند. تنها چیزی که می‌توانم به آن اشاره کنم این است که ایمان دارم، مجموعه بازی به بازی پیشرفت می‌کند و از لحاظ تاکتیکی بهتر و روان‌تر وارد میدان خواهد شد.» در این مسابقه آنچه که بیش از همه جلب نظر می‌کرد شوخی‌ها و خنده‌هایی بود که پیش از شروع مسابقه میان دیوید بکام و دوایت یورک دو همبازی قدیمی در منچستریونایتد رد و بدل می‌شد. یورک در این باره می‌گوید: «دیوید از بهترین دوستان من در یونایتد بود. خاطرات بیشماری را از او به خاطر دارم. آن سال‌ها برایم، بسان یک رویا تا ابد در ذهنم جاودانه خواهد ماند. آن خنده و شوخی‌ها نیز تنها به دلیل مرور داستان‌ها و خاطرات مضحکی بود که دوستی و ارتباط صمیمی‌مان را تحکیم می‌کرد!»

«لاسلکسیون» شگفت‌انگیز

اسپانیا نشان داد در میان غول‌های فوتبال دنیا در جام جهانی چیز دیگری است. هماهنگی، بازی روان و ناب، هدفمند و نیز تکنیک و هوش سرشار بازیکنان و ستاره‌های «لاسلکسیون» نشان داد که این مجموعه اگر بر چنین نواری قدم بردارد، خواهد توانست طلسم سال‌ها رکود و خاموشی فوتبال ملی ماتادورها را بشکند. گلزنی داوید و یا آمادگی خیره‌کننده فرناندو تورس، هوش سرشار ژاوی هرناندز و بازی موثر و حیرت‌انگیز کارلس پویول به اندازه حضور سسک فابرگاس در زمین مسابقه به چشم نیامد. پسر کاتالونیایی در نخستین دیدار ملی‌اش– آن هم در جام جهانی!– به رکورد جدیدی در فوتبال این کشور دست یافت؛ جوان‌ترین فوتبالیستی که تا به حال در جام جهانی به میدان رفته است. هافبک توانا و لبریز از استعداد آرسنال در خصوص پیروزی خیره‌کننده کشورش در برابر اوکراین– جدی‌ترین رقیبشان در این گروه– می‌گوید: «نشان دادیم در کنار داشتن مهره‌ها و ستاره‌هایی با تکنیک، در برنامه‌های گروهی نیز آنچنان هماهنگ و سازماندهی شده هستیم که همه را تحت تاثیر بازی خود قرار دهیم. در این میان و در بین تیم‌های حاضر در جام جهانی تنها برزیل را می‌بینم که از منظر تکنیک و خلاقیت به ما نزدیک باشد. هرچند تنها بهره بردن از تکنیک سرشار ضامن پیروزی و موفقیت نیست. بلکه باید کل بازیکنان مجموعه از لحاظ توان بدنی و جسمی نیز در شرایط ایده‌آلی به سر ببرند. با این اوصاف گمان می‌کنم و البته یقین دارم، اسپانیا هر دو عامل حیاتی ممکن را دارد. یعنی از یک طرف از تعداد بسیاری از ستاره‌های تکنیکی سود می‌برد و نیز از نظر آمادگی جسمانی در وضعیتی آرمانی قرار دارد.»

جوان اول فوتبال اسپانیا که در فصلی که گذشت با بازی‌های خیره‌کننده‌اش، جهان فوتبال را معطوف خویش ساخت در خصوص نقش لوئیس آراگونس و ویژگی‌هایش چنین می‌گوید: «آراگونس لبالب از تجربه است. او یک کهنه‌کار به تمام معناست و اگر ما– بازیکنان تیم– هم‌سو و هماهنگ با او حرکت کنیم می‌توانیم به موفقیتی چشمگیر در جام جهانی دست یابیم. رائول رهبر ماست. کاپیتان اسپانیا. . . کسی که بدون او اسپانیا چیزی را از دست داده است. در برهه‌هایی می‌تواند کارهایی انجام دهد و یا گل‌هایی به ثمر برساند که برایتان حیرت‌انگیز است.»

مرور

صعود اکوادور آلمان و انگلیس

شهروندان خوشبین اکوادوری هم تصور نمی‌کردند تیم‌شان تا پایان روز دوم بازی‌ها حتی یک گل هم نخورده باشد و با شش امتیاز، بالاتر از آلمان در صدر بایستد. مثلث آتشین تنوریو، دلگادو و کاویدس کاستاریکایی‌ها را از گردونه مدعیان صعود خارج کرد. در گروه B چیزی نمانده بود که شاکا هیسلاپ رکورد گل نخوردن خود را به دو بازی پیاپی برساند اما مقاومت اریکسون در بیرون نکشیدن مهاجم دیلاق در دقایق واپسین به نتیجه رسید و انگلیس را از مخاطرات یک تساوی ناامیدکننده رهانید. حضور رونی در زمین به اندازه همین سه امتیاز برای هواداران انگلیس خوشایند بود.

همین اتفاق برای سوئدی‌ها هم رخ داد. آنها یکی از حساس‌ترین سه امتیازی‌های تاریخ فوتبالشان را دشت کردند. هر چند زلاتان یوونتوسی هیچ سهمی در این موفقیت نداشت. سوئد همان استحکام تیم ۱۹۹۴ را دارد اما بدون توماس برولین و مارتین دالین.

به این ترتیب در گروه اول، کاستاریکا و لهستان اولین دیدار تشریفاتی جام را برگزار خواهند کرد. اکوادور هم برای سرگروهی فقط به یک تساوی نیاز دارد تا میزبان را به مصاف انگلستان بفرستد.

در گروه B صعود انگلیس قطعی است. پاراگوئه حذف شده است و سوئد هم با یک مساوی به مرحله

بعد راه می‌یابد. ترینیداد فقط در صورت غلبه بر پاراگوئه و شکست سوئد در بازی آخر می‌تواند دل به صعود ببندد که آن را هم گل‌شماری مشخص خواهد کرد. به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود در بازی انگلستان و سوئد، نمایش محافظه‌کارانه‌ای را از هر دو تیم ببینیم.

نتایج دیدارهای پنجشنبه

اکوادور سه – کاستاریکا صفر

کارلوس تنوریو (هشت)، آگوستین دلگادو (۵۴)، ایوان کاویدس (۹۰)

انگلستان دو– ترینیداد و توباگو صفر

پیتر کراچ (۸۳)، استیون جرارد (۹۰)

سوئد یک – پاراگوئه صفر

فردی لیونبرگ (۸۹)

تیم رویایی

٤ بازیکن انگلیس در تیم رویایی

با انجام دور دوم بازی‌های مرحله گروهی در گروه‌های A و B تغییرات زیادی در ترکیب تیم رویایی جام جهانی ایجاد شد. فیلیپ لام مدافع آلمان با انتخاب به عنوان بهترین بازیکن بازی مقابل لهستان امتیازات خود را به ۱۵/۵ امتیاز افزایش داد. گل نخوردن آلمان در آن دیدار نیز تاثیر زیادی بر افزایش امتیاز فیلیپ لام داشت. آگوستین دلگادو مهاجم اکوادور نیز با درخشش در بازی برابر کاستاریکا جای پائولو ونچاپ مهاجم کاستاریکا در ترکیب تیم رویایی را گرفت. اما انگلیسی‌ها با چهار بازیکن بیشترین بازیکن را در تیم رویایی تا پایان بازی‌های پنجشنبه دارند. دیوید بکام کاپیتان انگلیس با شانزده امتیاز بیشترین امتیاز را در میان بازیکنان انگلیسی حاضر در تیم رویایی دارد. دو پاس گل بکام در بازی مقابل ترینیداد و انتخابش به عنوان بهترین بازیکن میدان عامل حضور بکام در تیم رویایی شد. استیون جرارد هافبک انگلیس نیز که در بازی برابر ترینیداد گل دوم کشورش را به ثمر رساند با سیزده امتیاز در جمع هافبک‌های تیم رویایی حضور دارد. گل نخوردن انگلیس در دو بازی قبلی‌اش باعث شده است تا جان‌تری و ریو فردیناند جای گل محمدی و ادواردز مدافع ترینیداد را در ترکیب تیم رویایی پر کنند. با اینکه ترینیداد مقابل انگلیس شکست خورد اما عملکرد شاکا هیسلاپ دروازه‌بان این تیم آنقدر خوب بود که همچنان با پانزده امتیاز دروازه‌بان تی